



نجات خدمه لنج باری توسط کشتی شرکت ملی نفتکش ایران
کشتی شرکت ملی نفتکش ایران پس از دریافت پیام کمک از دریاقت کشتی بازرگانی که در حال غرق شدن بود، خدمه این لنج را نجات داد. کشتی موردنظر به سمت بندرعباس در حرکت بود که پیام اضطراری لنج باری را دریافت کرد و ۶ خدمه این شناور را نجات داد.

پشت پرده مرگ کولبر پاهوای



از روز دوشنبه که جسد بی جان کولبر ۳۹ساله پاهوای در یکی از روستاهای غرب کشور پیدا شد، رسانه‌های معاند تلاش کردند با ایجاد یک موج خبری، این حادثه را به نیروهای هنگ مرزی نسبت دهند و از این نمد کلاه‌ی برای خود بسازند. خبر از این حکایات داشت که در شامگاه یکشنبه، کولبری ۳۹ساله به‌نام آسو کریمی از سوی نیروهای هنگ مرزی هدف تیراندازی قرار گرفته و با اصابت گلوله به سرش مجروح و یک روز بعد جسدش در یکی از روستاها پیدا شده است. حال آنکه خیلی زود مشخص شد که ماجرا نه‌تنها خبرسازی رسانه‌های معاند بوده که کولبر ۳۹ساله بر اثر یک حادثه یا خصوصت شخصی جانش را از دست داده است. به گزارش همشهری، روز گذشته درحالی‌که اخبار مختلفی در رسانه‌ها و فضای مجازی درباره مرگ کولبری به نام آسو کریمی منتشر شده بود، دادستان دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان پاهو به ابهامات درباره این حادثه پایان داد و اعلام کرد که بررسی‌های تخصصی نشان می‌دهد که این کولبر دچار حادثه شده است و شلیکی در کار نبوده است.

نوید صحرایی در گفت‌وگو با فارس خبر کشته شدن کولبر پاهوای در اثر تیراندازی نیروهای هنگ مرزی را کذب محض دانست و گفت: در بررسی‌های اولیه و تحقیقات دقیق به عمل آمده از جمله معاینه و کالبدشکافی جسد مرحوم، آسو کریمی توسط پزشکان متخصص پزشکی قانونی مرکز استان کرمانشاه و با حضور کارشناس رسمی دادگستری در رشته اسلحه‌شناسی، هیچ اثر و نشانه‌ای ناشی از اصابت گلوله در پیکر متوفی یافت نشد. وی افزود، پس از بررسی‌های تکمیلی مشخص شد که وی بر اثر ضربه شدید جسم سخت به جمجمه و خونریزی مغزی فوت کرده که احتمالاً ناشی از حادثه سقوط از ارتفاع و یا قتل توسط شخص یا اشخاصی ناشناس به‌علت اختلافات شخصی باشد.

صحرایی افزود، همچنین فوت وی در زمان و مکانی صورت گرفته که هیچ‌یک از نیروهای نظامی در محل حضور نداشته‌اند و به هیچ‌وجه در آن زمان و مکان تیراندازی از سوی آنها گزارش نشده است. دادستان پاهو گفت: اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده آن متوفی، اعلام می‌کنم که تحقیقات کامل و جامع جهت کشف قطعی حقیقت ماجرا از سوی این دادستانی و با همکاری کارآگاهان پلیس آگاهی در دست اقدام است و با حصول نتیجه قطعی، متعاقباً اطلاع‌سانی خواهد شد.

صحرایی گفت: متأسفانه خبر کذب و خلاف واقع قتل وی بر اثر تیراندازی نیروهای خدوم مرزبانی به سرعت توسط کانال‌های متعلق به معاندین و ضدانقلاب جهت سنسایمنامی و تشویش اذهان عمومی مردم به‌صورت گسترده در فضای مجازی منتشر شد. برخی کانال‌های خبری داخلی نیز بدون اندکی تأمل، بی‌آنکه منتظر روشن شدن کامل ابعاد موضوع باشند، آن را اطلاع‌سانی کردند. صحرایی تأکید کرد: توصیه ما به مردم شریف شهرستان پاهو این است که اعتنایی به این شایعات نداشته و صرفاً کسب هر گونه خبر و اطلاع‌رسانی در این موضوع را از طریق روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان پاهو پیگیری کنند.

دستگیری قاتلان روزنامه‌نگار ایزدهای در اصفهان

قاتلان روزنامه‌نگار ایزدهای که پس از فرار به اصفهان قصد از تکاب سرت مسلحانه را داشتند در عملیات ضربتی پلیس دستگیر شدند. به گزارش همشهری، عصر روز جمعه ۲۲ اردیبهشت، اکبر لیموجی، روزنامه‌نگار خوزستانی در شهرستان ایزده به قتل رسید. آن روز زمانی که مقتول در داخل کافه‌ای نشسته بود، افراد مسلح سوار بر خودروی ال ۹۰ راهی آنجا شدند و پس از ورود به داخل کافه با شلیک گلوله روزنامه‌نگار خوزستانی را به قتل رساندند و فرار کردند. از همان زمان تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری قاتلان آغاز شد. بررسی‌های اولیه از این حکایت داشت که عاملان جنایت، افرادی تبهکار بودند که بر سر کینه‌ای که از مرد روزنامه‌نگار به دل داشتند نقشه قتل او را عملی کرده بودند.

بررسی‌ها بر ای دستگیری قاتلان ادامه داشت تا اینکه پلیس به اطلاعاتی دست یافت که نشان می‌داد آنها به اصفهان گریخته و در خانه‌ای در آنجا مخفی شده‌اند. فرمانده یگان ویژه استان اصفهان در تشریح عملیات دستگیری قاتلان گفت: در پی دریافت گزارش مبنی بر اینکه ۲قاتل فراری روزنامه‌نگار خوزستانی در یک ساختمان مسکونی در اصفهان حضور دارند، واحد راهبی گروگان و نیروهای ویژه راهی این محل شدند. سردار رضانصیری ادامه داد: آنها پس از محاصره ساختمان در عملیاتی ضربتی بدون هیچ گونه درگیری موفق شدند هر دو متهم را غافلگیر و دستگیر کنند. به گفته وی، بررسی‌ها نشان داد که این مجرمان با حضور در اصفهان در حال طرح ریزی برای ارتکاب سرت مسلحانه در یکی از شهرستان‌های استان اصفهان بودند که خوشبختانه پیش از اجرای نقشه خود دستگیر شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.



دستگیری دزد مسلح طلافروشی

سارق مسلحی که قصد سرقت از یک طلافروشی در دره‌شهر ایلام را داشت با کمک مردم دستگیر شد. این سارق مسلح، صبح دیروز وارد طلافروشی شد و با شلیک گلوله صاحب طلافروشی را مجروح کرد اما پیش از اینکه موفق به سرقت و فرار شود، با کمک مردم و حضور مأموران پلیس دستگیر شد.

عروس و خواهر شوهر پس از دستبرد ۵میلیاردی به ۲خانه دستگیر شدند

زن روزنامه‌خوان، دست سارقان را رو کرد

گزارش
روزنامه‌نگار

زن جوان که علاقه زیادی به خواندن صفحه حوادث روزنامه‌ها داشت، با نصب یک دوربین مخفی در خانه‌اش، دست سارقان میلیاردری را که عروس و خواهر شوهر بودند رو کرد. به گزارش همشهری، اوایل مرداد امسال زنی جوان برای دیدن مادرش به خانه او در شمال پایتخت رفت اما وقتی برگشت با صحنه عجیبی مواجه شده؛ دران به خانه‌اش دستبرد زده بودند و همه اموالش را که شامل سکه، طلا، دلار، تابلوی تفره، یک ساعت مچی برلین، تابلوی طلا و فرش های نفیس بود به سرقت برده بودند.

زن جوان وحشت‌زده با همسرش و پلیس تماس گرفت و لحظاتی بعد متوجه شد که دران نه‌تنها به خانه آنها، که به آپارتمان همسایه نیز دستبرد زده‌اند و همه اموال بارزش آنها را نیز درزیده‌اند. زن جوان ناگهان به یاد دوربینی افتاد که یک هفته قبل تر در ساختمان نصب کرده بود. او فوراً به سراغ تصاویر ضبط شده در دوربین رفت و با دیدن تصاویر شوکه شد، چرا که یکی از سارقان زنی آشنا بود. او پرستو نام داشت و در خانه مادر زن جوان به‌عنوان پرستار کار می‌کرد و حالا تصویرش در دوربین مداربسته ضبط شده بود.

وقتی مأموران پلیس برای بررسی موضوع در محل سرقت حضور یافتند، زن جوان که هنوز شوکه بود و باورش نمی‌شد که سارق خانه او همسایه، آشنا باشد، به تشریح ماجرا پرداخت و به مأموران گفت: پرستویکی از آشنایان درمان است که چند وقت قبل او را استخدام کردیم تا از مادرم نگهداری کند و کارهای خانه‌اش را انجام بدهد. او زنی مورد اعتماد ما بود و هنوز باورم نمی‌شود که وی نقشه سرقت از خانه ما را کشیده است. زن جوان ادامه داد: روز حادثه من به خانه مادرم رفتم و اتفاقاً پرستو هم آنجا بود. حتی برای مادرم غذا درست کرد اما کمی بعد موبایلش زنگ خورد و هراسان پیش ما آمد. او گفت شوهرش تصادف کرده و باید او را به

بیمارستان ببر. به این بهانه ما را تنها گذاشت و فرار شد تا وقتی برمی‌گردد من پیش مادرم مانم. چند ساعت بعد پرستو برگشت و گفت خطر از بیخ گوش شوهرش گذشته و او آسیب جدی ندیده است. من هم پس از برگشتن او به خانه برگشتم که با صحنه سرقت مواجه شدم.

زنان سارق

آنطور که تصویر ضبط شده در دوربین مداربسته نشان می‌داد، پرستو با همدستی زنی جوان دست به سرقت از خانه زن جوان و همسایه آنها زده بود. زن جوان ادامه داد: من علاقه زیادی به خواندن صفحه حوادث روزنامه‌ها دارم. اغلب خبرهای حوادثی را می‌خوانم و معمولاً با خواندن آنها سعی می‌کنم همیشه احتیاط کنم. به همین دلیل وقتی در خیرها خواندم که دوربین‌های مداربسته نقش زیادی در کشف جرم دارد، به همسر اصرار کردم در ساختمانم دوربین نصب کنیم. دوربین را در جایی نصب کرده بودیم که به راحتی قابل مشاهده نبود و خوشبختانه این اقدام منجر به شناسایی سارق شد.

سارق پشیمان

پرستو (یکی از سارقان) می‌گوید: هرگز تصور نمی‌کرده که مالباخته در خانه‌اش دوربین مداربسته نصب کرده باشد و به همین راحتی گیر بیفتد.

نقشه سرقت را به تنهایی کشیدی؟

من وسوسه‌اش را به جان شوهرم انداختم و او هم اصرار بر اجرای آن کرد. چند ماهی می‌شد که من در خانه پیروز تنها کار می‌کردم. دخترش هر از گاهی به او سرسری زد و هر وقت با موبایلش صحبت می‌کرد فالگوش می‌ایستادم و از صحبت‌هایش متوجه شده که وضع مالی خوبی دارد. کلی طلا و سکه در خانه دارد و مقداری هم ارز. وقتی اینها را برای شوهرم تعریف کردم، از من خواست تا نقشه سرقت از خانه‌اش را طراحی کنم.

تو هم به راحتی قبول کردی؟

همسرم بیکار شده بود و مشکلات مالی داشتیم. از سوی دیگر به چند نفر از دستگامان بد‌هکار بودیم و به دنبال راهی می‌گشتم که بدهی‌هایمان را بدهیم. من می‌ترسیدم به تنهایی سرقت کنم و شوهرم پشیمان‌ها داد

خواهر مدیر عامل سابق پرسپولیس ، فرشته نجات بیماران شد



داخلی

«خواهرم ۵۹سال قبل در بیمارستان سینا به دنیا آمده و وصیت کرده بود اگر روزی دچار مرگ

مغزی شد اعضای بدنش به بیماران اهدا شود و وقتی او سگته مغزی کرد و راهی برای نجاتش نبود طبق خواسته‌اش اعضای بدنش را اهدا کردیم تا او در همان بیمارستانی که به دنیا آمده بود از دنیا برود.» این بخشی از حرف‌های سیدحمیدرضا سیاسی، مدیرعامل و رئیس سابق هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس است که با رضایت او و خواهرش رضایت می‌داد. به همین دلیل این ماجرا ۳روز به تعویق افتاد تا او به ایران برسد. او نیز به محض رسیدن به ایران رضایت نامه را امضا کرد و به این ترتیب پس از انجام همه مراحل پزشکی و قانونی کید، کلیه‌ها و نسوج این بیمار در بیمارستان سینا جسداسازی و به چندین بیمار نیازمند که از مدت‌ها قبل در انتظار دریافت عضو پیوندی بودند اهدا شد. سیاسی که این روزها در سوگ خواهرش است درباره این حادثه تلخ به همشهری می‌گوید: خواهرم فرد خیر خواهی بود. او از مدت‌ها قبل وصیت کرده بود که اگر روزی دچار مرگ مغزی شد اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شود. ما هم بعد از حادثه تلخی که برای

از مادرش صرف می‌کرد و کمتر به سلامتی خودش اهمیت می‌داد. چند روز قبل در شرایطی که در خانه بود به‌دلیل شدت فشار خون دچار خونریزی شدید مغزی شد. طوری که وقتی او را به بیمارستان رساندند هوشیاری پایینی داشت و پزشکان اعلام کردند شناس زبایدی از زنده ماندن ندارد.

مرگ مغزی

چند ساعتی بیشتر از شروع اقدامات کادر درمان نگذشته بود که زن جوان دچار مرگ

مغزی شد. در این شرایط بود که اعضای تیم فراهم آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا به گفت‌وگو با خانواده او پرداختند تا آنها را برای اهدای اعضای بدن این بیمار مرگ مغزی راضی کنند.

حمیدرضا سیاسی، مدیر عامل و رئیس سابق هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس به نمایندگی از مادرش به‌عنوان ولی دم بسا اهدای عضو وی موافقت کرد. با این حال علاوه بر او تنها فرزند این بیمار مرگ مغزی که در خارج از کشور زندگی می‌کرد نیز باید برای اهدای اعضای بدن خواهرش رضایت می‌داد. به همین دلیل این ماجرا ۳روز به تعویق افتاد تا او به ایران برسد. او نیز به محض رسیدن به ایران رضایت نامه را امضا کرد و به این ترتیب پس از انجام همه مراحل پزشکی و قانونی کید، کلیه‌ها و نسوج این بیمار در بیمارستان سینا جسداسازی و به چندین بیمار نیازمند که از مدت‌ها قبل در انتظار دریافت عضو پیوندی بودند اهدا شد.

سیاسی که این روزها در سوگ خواهرش است درباره این حادثه تلخ به همشهری می‌گوید: خواهرم فرد خیر خواهی بود. او از مدت‌ها قبل وصیت کرده بود که اگر روزی دچار مرگ مغزی شد اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شود. ما هم بعد از حادثه تلخی که برای

او اتفاق تصادف غیرتمیم گرفتیم طبق خواسته‌اش عمل و اعضای بدنش را اهدا کنیم. ما خواهر عزیزمان را از دست دادیم اما خوشحالمیم که اعضای بدن او زنده اند و به چندین بیمار زندگی بخشیدند است.

او در ادامه می‌گوید: پدر من سیداحمد سیاسی نیز از جراحان مشهور کشور بود و در سال‌های ۳۵ تا ۴۵، بیمارستان سینا طبابت می‌کرد. خواهرم حمیده نیز ۵۹سال قبل در بیمارستان سینا به دنیا آمد. او عمرش را در کارهای علمی، پژوهشی و عام‌المنفعه و خیر گذاشت و عقابت بعد از وفات نیز بی‌مغزی در همین بیمارستان فوت شد. حالا تنها پسر او برای‌مان به یادگار مانده است. خواهرم در این مدت کتاب‌های زیادی تالیف کرده بود و کتاب مهمی را نیز در دست انتشار داشت که حالا پسرش قصد دارد تحقیقات مادرش را تکمیل کرده و آخرین کتاب او را نیز به‌زودی منتشر کند. امیدوارم اتفاقی که برای خواهرم افتاد برای هیچ‌کسی رخ ندهد! اما توصیه می‌کنم که اگر فردی دچار مرگ مغزی شد خانواده او با واقع بینی و خیراندیشی اعضای بدنش او را به بیماران نیازمند اهدا کنند. آنها با این کار در حقیقت به عزیزان دست‌رفته‌شان زندگی می‌بخشند و باعث ترویج این فرهنگ می‌شوند.

دستگیری ناپدری سنگدل

شرایط وخیم کودک شده بود از آنجا گریخته بود.

در شرایطی که کادر پزشکی برای درمان کودک مجروح تلاش می‌کردند تحقیقات برای دستگیری ناپدری نیز ادامه داشت. چند روز بعد سرانجام با پیگیری مأموران پلیس و با اجرای نقشه‌ای حساب شده متهم در فراری صند دستگیر شد و در بازجویی‌های اولیه به کودک آزاری اعتراف کرد. فردوس کارگر، رئیس اورژانس اجتماعی شهرستان رفسنجان در این باره گفت: هم‌اکنون متهم با یک شکایت اورژانس اجتماعی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این باره ادامه دارد. رئیس اورژانس افزود: زمانی که این کودک به بیمارستان منتقل شد، کتف دست چپش شکسته بود. همچنین رد دندان ناپدری روی بیشتر اعضای بدن کودک ۶ساله به چشم می‌خورد که نشان می‌داد او کودک را گاز گرفته است. تلاش‌ها برای مداوای کودک آسیب دیده ادامه داشت تا اینکه بعد از بهبود وضعیتش از بیمارستان مرخص شد و با تشخیص پزشکان، به‌دلیل آسیب‌های روحی که دیده تحت درمان روانپزشک قرار داد. کارگر در ادامه گفت: به جز این کودک ۷ساله‌ای نیز با این خانواده زندگی می‌کرد که حضانت هر دو

فرزند به پدرشان سپرده شده و قرار است به‌زودی برای وضعیت قطعی این کودکان تصمیم‌گیری شود. طبق گفته‌های مادر کودک، او بارها از سوی ناپدری آزار دیده بوده اما مادر به‌علت ترس شدید از همسر دومش ساکت مانده بود. از طرفی ناپدری نیز به‌دلیل اعتیاد به شیشه و تومم ناشی از این مواد مدام این کودک را کتک می‌زد و مادر کودک هیچ نقشی در آزار وی نداشته و خودش نیز بارها از شوهرش کتک خورده و آثار کودوی روی دست‌هایش وجود دارد.

اخبار کوتاه

درگیری کارگران آقربانی گرفت

در جریان ۲حادثه جداگانه، ۲جوان افغانستانی در جریان درگیری جان‌شان را از دست دادند. به گزارش همشهری، حادثه اول شامگاه یکشنبه اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که چند کارگر در یک ساختمان نیمه‌کاره با یکدیگر درگیر شده بودند. در این بین ۳نفر زخمی شده که یکی از آنها جانش را از دست داد و گزارش این جنایت به قاضی محمد مهدی براعه، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که کارگران ساختمان از قبل بر سر مسائل کاری با یکدیگر اختلاف داشتند که روز حادثه جرح و بره‌شان شد. وقتی درگیری آنها بالا گرفت با چوب و چاقو به جان هم افتادند که دعویشان به قتل ختم شد. در جریان این حادثه ۳نفر دستگیر شدند و قاتل اصلی نیز فراری شده است. حادثه دوم نیز تفاوت چندانی با حادثه اول نداشت. در جریان درگیری دوم که شامگاه دوشنبه رخ داد ۱۰ مرد افغانستانی بر سر مسائل کاری و اختلاف بر سر دستمزد متفاوت‌شان با یکدیگر درگیر شدند که در این میان ۳نفر زخمی شده و به بیمارستان انتقال یافتند اما یکی از آنها با وجود تلاش پزشکان، ساعت ۴صبح دیروز فوت شد. به دستور محمد مهدی براعه در پرونده دوم هم ۳نفر بازداشت شده‌اند که تحقیقات از آنها برای شناسایی ضارب اصلی ادامه دارد.



خواهرش هم‌مرم بیاید.

نقشه سرقت را چطور اجرا کردید؟

قرار شد یک روز که شاکه به دیدن مادرش می‌آید، من دسته کلیدش را سرقت کنم. چند روز قبل از سرقت دسته کلید را از کیفش برداشتم و به پناهه خرید از خانه بیرون زدم. کلید یکی ساختم و دقایقی بعد برگشتم. بعد منتظر ماندم تا روز اجرای نقشه فرابرسد.

با اموال سرقتی چه کردید؟

ما اصلاً فرصت نکردیم اموال را بفروشیم؛ چون پلیس ۲۴ساعت بعد از سرقت دستگیرمان کرد. راستش من اصلاً نمی‌دانستم ساختمان مالباخته دوربین دارد. چندبار از او پرس‌وجو کرده و شنیده‌بودم که دوربین مداربسته ندارد اما یک هفته قبل از سرقت از بدشناسی ما دوربین نصب کردند و خیلی زود لو رفتیم.

چرا به خانه‌های همسایه دستبرد زدید؟

راستش می‌خواستیم پلیس تصور کند سارقان سابقه‌دار منزل پشت پرده ماجرا هستند! اما خوب تازه کار بودیم و حتی در سرقت هم اشتباه کردیم. چون با ایدک وارد خانه‌ن جوان شدیم و در سرت دوم، در را تعریب کردیم. در واقع ناشی بودمان هم کار دستمان داد؛ حالا هم به‌شدت پشیمانیم.



مرگ هولناک مرد جوان در دریاچه سد

مرد جوانی که همراه خانواده‌اش برای تفریح به حاشیه دریاچه سد یاد رفتم بود هنگام شنا در دریاچه غرق شد تا اعضای خانواده‌اش شاهد حادثه‌ای تلخ باشند. به گزارش همشهری، این حادثه صبح دیروز (سه‌شنبه) در دریاچه سد یاد شهرستان جوین واقع در استان خراسان رضوی اتفاق افتاد. این مرد که ۳۵سال داشت همراه با اعضای خانواده‌اش برای تفریح و گردش به اطراف دریاچه سد رفته بودند که او تصمیم گرفت برای شنا وارد دریاچه شود. او دقایقی در دریاچه شنا کرد اما ناگهان دچار مشکل شد. مرد جوان در دریاچه دست و پا می‌زد و کمک می‌خواست اما از اعضای خانواده‌اش که نظاره‌گر این صحنه تلخ بودند کاری ساخته نبود و درنهایت او جانش را از دست داد. غلام‌عباس کافی، رئیس اورژانس ۱۱۵ سبزوار درباره این حادثه گفت: در پی تماس با مرکز کنترل فرماندهی عملیات اورژانس مبنی بر غرق شدن فردی ۳۵ساله در سد یاد شهرستان جوین، بلافاصله پرسنل اورژانس به منطقه اعزام شدند. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد، این مرد به‌دلیل بی‌احتیاطی و عدم مهارت به فنون شنا در دریاچه سد غرق شده است. او ادامه داد: پس از انجام هماهنگی‌های لازم، گروه غواصی آتش‌نشانی سبزوار با استفاده از تجهیزات لازم به محل اعزام شدند و پس از ۳ساعت تلاش موفق شد پیکر بی‌جان این مرد را از آب خارج کنند. به‌گفته‌از او ابتدای سال جاری تاکنون در سبزوار ۴نفر غرق شده‌اند.



مرگ در دناک پسر معلول

چند روز پس از مرگ پسر معلولی که در یک مرکز توانبخشی خصوصی نگهداری می‌شد، پدر او با حضور در دادسرا از مدیر مرکز توانبخشی شکایت کرد. به گزارش همشهری، پدر این پسر معلول با حضور در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران به بازپرس وحید ناصری گفت: پسر ۹ساله‌ام محمد متین نام داشت. او معلول بود و چند وقتی می‌شد که او را در یک مرکز توانبخشی خصوصی بستری کرده بودم. معمولاً با مرکز در ارتباط بودم و هر مشکلی وجود داشت یا کاری داشتند به من زنگ می‌زدند و اطلاع می‌دادند. آخرین بار اما حال پسرم بد شده و آنها بدون اطلاع من، پسرم را به بیمارستان انتقال دادند. من وقتی در جریان قرار گرفتم، راهی بیمارستان شدم اما پسرم پس از چند روز که تحت درمان قرار داشت، ناگهان قلبش از تپش ایستاد و جانش را از دست داد. هر چند علت مرگ را ایست قلبی اعلام کردند اما روی بدن پسرم آثار کبودی، ضرب و جرح و سوختگی وجود داشت و من احتمال می‌دهم در مرکز توانبخشی، بلایی بر سر او آورده‌اند. به همین دلیل از مدیر مرکز شکایت دارم و او را در مرگ پسرم مقصر می‌دانم.

با این شکایت، قاضی وحید ناصری دستور احضار مدیر مرکز به دادسرا و انجام تحقیقات بیشتر را صادر کرده تا اسرار این حادثه را زنگشایی شود.

